

**ضرورت اصلاحات
در بندهای مالیات
تولید**امیرحسین کاکایی
بزوهشگر حوزه صنعت

این روزها جنگ بدی را پشت‌سر گذاشته‌ایم و در یک بلاتکلیفی بزرگ به‌سمر می‌بریم. اگر به جنگ ادامه دهیم یک‌جور باید رفتار کنیم و اگر با آمریکا کنار بیاییم، یک مسیر کاملا برعکس. اگر هم صلح برقرار نشود که دوباره برمی‌گردیم به آن دورانی که همایند بحران‌ها در حال تبدیل شدن به ابربحران بودند و ظاهرا نه‌تنها کسی به فکر رفع آنها نیست، بلکه مسئولان دائما در مسیر تقویت بحران‌ها گام برمی‌دارند و به‌طور خاص موانع جدید جلوی پای صنایع می‌گذارند.

کوتاه یادآوری کنم که کمبود برق و گاز جدی‌تر شده و به‌زودی شاهد کمبود گازوئیل هم خواهیم بود. آب هم قطعاً بحران بعدی در تولید خواهد بود. مثلا دولت در مسئله برق، به‌جای اینکه مشکل اصلی را حل کند با راه‌حلی که جلوی پای صنایع گذاشت، مشکلات جدیدی را ایجاد و بهره‌وری را کمتر کرد و مصرف ارز را بالاتر برد و کارآفرینان را با چالش‌های جدیدتری روبرو کرد. مباحث و درد و دل‌ها زیاد است و اصولاً نمی‌توان خیلی در این شرایط درباره آینده صحبت کرد. بنابراین با توجه به موضوع بحث امروز، می‌خواهم فقط روی نقش مالیات و رابطه آن با توسعه اقتصادی در صنعت صحبت کوتاهی داشته باشم. شاید مسئولی ببیند و کمی مسیر را اصلاح کند.

مالیات و تعرفه، ابزارهای کسب درآمد دولت است برای ارائه خدمت بهتر به مردم. در سال‌های اخیر هم کارهای خوبی در مسیر جدا شدن دولت از درآمدهای نفتی و مدیریت دولت با درآمدهای مالیاتی انجام شده است. باید یادآوری کنم که تعرفه هم یک نوع مالیات است که دولت از واردکننده و نهایتاً این مصرف‌کننده است که پول آن را هم‌راه پول مالیات پرداخت می‌کند. بدیهی است که مالیات باید به‌گونه‌ای باشد که هم‌زمان که درآمد دولت برای خدمت به مردم بالا می‌رود، درآمد مردم هم بالا برود تا بتوانند مالیات بدهند. وگرنه نقض غرض می‌شود. مالیات از یک حدی بالا برود، به‌تدریج انگیزه مردم برای کار کردن کم می‌شود و درآمد دولت پایین می‌آید. ظاهراً این موضوع به‌اینکه مسئولی لافر در اقتصاد معروف است. اینکه کجا بهترین نقطه درصد مالیات است، جای بحث زیادی دارد و اقتصاددانان دائماً آن را رصد می‌کنند. البته در اقتصاد کلان، به خاطر قابلیت برنامه‌ریزی داشتن برنامه‌های دولتی و کسب‌وکارها، به‌راحتی نرخ مالیات‌ها را دستکاری نمی‌کنند. درباره تعرفه‌ها هم همین‌طور است، چون در کسب‌وکارهای بین‌المللی این دستکاری‌ها می‌تواند داستان‌ها به وجود آورد و بازی رقابت و البته رفاه مردم را دچار مشکل کند. همین‌اخری این بازی را درباره آمریکا و تصمیمات فی‌البداهه ترامپ مشاهده می‌کنیم.

**دولت به‌جای
گسترش
فرهنگ
پرداخت
مالیات و اخذ
مالیات عادلانه
از اصناف و
بازاریان و
جلوگیری از
فرار مالیاتی،
فشار مالیاتی
خود را به
بخش تولید
کده تنها بخش
شفاف اقتصاد
کشور استوارد
می‌آورد****دولت‌کسری
بودجه‌دارد
درحالی‌که
بخش‌های
غیرمولد معاف
از مالیات
شده‌اند،
بخش‌های
مولد زیر تیغ
مالیات‌ستانی
هستند****در بررسی ۵۵۵۵ از تأثیر مالیات بر صنعت نمایان شد****باج و خراج ناعادلانه؛ مانع بزرگ بر سر راه تولید**

در شرایط بحرانی، نقش مالیات در حمایت از تولید، بیش از هر زمان دیگری حیاتی می‌شود. صنعتگران و تولیدکنندگان بارها خواستار حمایت‌های مالیاتی شده‌اند تا تاب‌آوری خود را در برابر فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها و بحران‌های گوناگون حفظ کنند. اما نظام مالیاتی کشور هنوز به‌صورت عادلانه و شفاف عمل نکرده است. فشار مالیاتی بیشتر بر دوش بخش‌های مولد و شفاف اقتصادی نهاده شده، در حالی که بخش‌های غیرمولد و سفته‌باز کمتر تحت نظارت و دریافت مالیات قرار می‌گیرند. این نابرابری، بی‌اعتمادی و کاهش انگیزه در پرداخت مالیات را دامن‌زده که در نهایت به زیان تولید و اقتصاد ملی می‌گردد. علاوه بر این، نبود شفافیت در هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی و عدم اطلاع‌رسانی مناسب به مردم، زمینه‌ساز بی‌اعتمادی عمومی شده است. در شرایطی که تولیدکنندگان خواستار حمایت مالیاتی هستند، ضرورت اصلاحات اساسی در نظام مالیاتی کشور بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود؛ تا هم از تولید حمایت شود و هم عدالت مالیاتی برقرار گردد و چرخ صنعت ایران، پایدارتر بچرخد. ۵۵۵۵ در این زمینه با کارشناسان حوزه صنعت و اقتصاد گفت‌وگویی داشته که در ادامه می‌خوانید.

تولید مغلوب مالیات‌ستانی غلط

شجاع‌الدین امامی‌روف، دبیر انجمن صنایع نساجی درباره نحوه حمایت مالیاتی دولت از صنعت به ۵۵۵۵ گفت: در اینکه بخشی از هزینه‌های دولت باید از طریق مالیات تأمین شود و اینکه به‌رحال مالیات در همه کشورهای دنیا یکی از موضوعات کلیدی حاکمیت در جهت ایجاد رفاه و امنیت شهروندان است، شکی نیست، اما واقعیت اینجاست که همان‌طور که نسبت به اخذ مالیات همت می‌کنیم و هرساله درآمدهای مالیاتی کشور را در بودجه افزایش می‌دهیم باید به فکر سازکارهای ایجاد شفافیت در محل هزینه‌کرد مالیات‌ها هم باشیم. بدون تردید این حق شهروندان است که بدانند مالیاتی که پرداخت می‌کنند تا چه میزان در راستای حمایت و ایجاد رفاه و خدمات‌دهی به خودشان مصرف می‌شود. در واقع صرف اخذ مالیات بدون توجه به توسعه و رفاه جامعه و ارائه خدمات به‌نوعی منجر به بی‌اعتمادی و بی‌انگیزه بودن مودیان در پرداخت مالیات می‌شود و این ایجاد شفافیت و برنامه‌ریزی برای هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی است که منجر به فرهنگ‌سازی برای پرداخت مالیات می‌شود. به‌عبارت‌دیگر اگر مالیات پرداختی اقشار مختلف صرفاً هزینه ناکارآمدی و سوءمدیریت‌های بخش دولتی باشد جامعه هم رغبتی برای پرداخت مالیات نخواهد داشت. این موضوعی است که در کشورهای مختلف به‌طورجدی به آن پرداخته‌شده درحالی‌که علیرغم روایت دینی در اداره جامعه اسلامی در این زمینه که حاکم را خدمتگزار ملت می‌داند در کشور ما کمتر به آن توجه شده و همین موضوع عامل بی‌عدالتی‌های مالیاتی است که با آن مواجهیم. در واقع بخش بزرگی از مسائل و مشکلات بخش خصوصی با دولت در حوزه مسائل مالیاتی بر همین محور است که دولت به‌جای گسترش فرهنگ مالیاتی و اخذ مالیات عادلانه از اصناف و بازاریان و جلوگیری از فرار مالیاتی، حلقه فشار خود را به بخش تولید که تنها بخش شفاف اقتصاد کشور است، بیشتر می‌کند و این موضوع سبب نگرانی‌های تولیدکنندگان و صنعتگران در محاسبات مالیاتی شده است.

۵۵۵۵ همراه تولید نیست

دبیر انجمن صنایع نساجی در ادامه به اصلاحات مالیاتی در راستای کمک به صنعت اشاره کرد و گفت: با توجه به مواردی که عنوان شد اگرچه اصلاحات مالیاتی و ایجاد شفافیت در هزینه‌کرد مالیات دریافتی در توسعه زیرساخت‌ها و ارائه خدمات به جامعه بسیار مؤثر است، اما ممکن است به‌طور مستقیم

ناکارآمدی در دسر ساز نظام مالیات‌ستانی

دریافت کنیم، در ادامه باید به شناسایی مشکلات کنونی در ساختار مالیاتی کشور بپردازیم. درحال حاضر یکی از مشکلات اساسی در سیستم مالیاتی کشور کلا درآمدهای مالیاتی دولت تابعی از متغیرهای گوناگون است که دو تا از مهم‌ترین این متغیرها یکی مالیات است و دیگری تعداد پایه‌های مالیاتی. البته متغیرهای دیگری هم در این روند هستند اما این دو مهم‌ترند. درباره نرخ مالیات اغلب معتقدند که این نرخ در کشور ما کم است در این میان شاهد قیاس‌های اشتباه نرخ مالیات کشورمان با کشورهای پیشرفته هستیم که بدون در نظر گرفتن نرخ تورم و این قیاس اشتباهی است.

رایع با بیان اینکه درآمدهای مالیاتی ما تابع نرخ و پایه‌های مالیاتی است، اظهار کرد: یکی از مشکلات ما در پایه‌های مالیاتی این است که کلا ماهیت فعالیت بخش‌های مولد مانند صنعت و واحدهای تولیدی به‌گونه‌ای است که اجازه و امکان پنهان‌کاری در آن کم است. کارخانه، ماشین‌الات، نیروی کار و تولیدات یک واحد صنعتی قابل پنهان کردن نیست ازاین‌رو بیشتر در معرض مالیات‌ستانی قرار می‌گیرد چون سیستم‌های مالیات‌ستانی در کشور ما به دلیل مسائل گوناگون مانند عدم‌شفافیت و...پیشرفته و نوین نیست و به همین دلیل عمده مالیات در کشور از بخش‌های شفاف اقتصاد گرفته می‌شود. یعنی پایه‌های مالیاتی ما به‌شدت به دریافت مالیات از بخش‌های مولد محدود شده‌اند و بخش‌های سفته‌بازانه بعضاً چون پنهان فعالیت می‌کنند و از طرفی هم سیستم مالیاتی ما هوشمند و مدرن نیست، کمتر زیر تیغ مالیات هستند. پس با هوشمندسازی و یکپارچه‌سازی سیستم مالیاتی و همچنین افزایش شفافیت می‌توان از تولید حمایت کرد. پس به جای بالا

سخن پایانی

بنا براین گزارش، نظام مالیاتی کشور با وجود قوانین متعدد، در عمل نتوانسته عدالت و شفافیت لازم برای حمایت از بخش تولید را برقرار کند. فشار مالیاتی به‌طور نامتناسب بر دوش تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی شفاف است، در حالی که بخش‌های غیرمولد و سفته‌باز به‌دلیل ضعف نظارتی کمتر تحت مالیات قرار می‌گیرند. این نابرابری، انگیزه پرداخت مالیات را کاهش داده، فرار مالیاتی گسترده و افزایش هزینه‌های تولید را دامن‌زده است. در شرایط بحرانی مانند فشار اقتصادی یا توقف تولید در تهاجم نظامی اخیر،

در کاهش هزینه سرمایه‌گذاری واحدها مؤثر نباشد. در واقع در اقصی نقاط دنیا معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی برای تولید در بازه‌های زمانی یا جغرافیایی یا زمینه فعالیت‌های گوناگون به‌عنوان ابزارهای تشویقی برای توسعه سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شوند که البته ما هم در کشور خودمان سوابق چنین معافیت‌هایی را داریم. امامی‌روف افزود: به نظر می‌رسد بهترین حالت برای بهره‌مندی از معافیت‌های مالیاتی در راستای توسعه سرمایه‌گذاری و تولید در کشور، مشارکت بیشتر بخش خصوصی، به‌ویژه اتاق‌های بازرگانی و تشکل‌های تخصصی و بهره‌گیری از نظرات و دیدگاه‌های کارشناسی در این حوزه است. به‌عنوان مثال شاید در برخی از صنایع اجرای کامل و عادلانه قوانین و مقررات مالیاتی بسیار مفیدتر و مؤثرتر از معافیت‌های مالیاتی باشد، چراکه به‌رحال دولت در بحث معافیت مالیاتی با محدودیت منابع مواجه است و تجربه نشان داده در گذشته هم حتی برای مشاغلی که معاف از مالیات بوده‌اند به انجا مختلف و به بهانه‌های متعدد و با دستورالعمل‌ها و تبصره‌های قانونی نسبت به اخذ مالیات اقدام کرده است و شاید سخت‌گیری‌های بیشتری را هم متوجه مودیان مالیاتی کرده، اما چنانچه فرآیند اجرای قوانین مالیاتی به‌طور عادلانه برای تمامی ذی‌نفعان زنجیره ارزش از تولید تا توزیع در اصناف و مصرف‌کننده نهایی عملیاتی شود، حداقل فشار فعلی از دوش تولیدکننده برداشته می‌شود.



فعال حوزه صنعت ادامه داد: به‌عنوان مثال در صنعت نساجی بخش بزرگی از اصناف و بازاریان مالیات خود را از طریق توافق با اتحادیه‌های صنفی پرداخت می‌کنند و تمایلی به اخذ فاکتور رسمی و انجام تکالیف قانونی ندارند که این موضوع مشکلات و هزینه‌های بسیاری به بخش تولید تحمیل می‌کند. یا در بحث مالیات بر ارزش‌افزوده دولت بخش بنکداران و طاقه‌فروشان پارچه را از پرداخت مالیات ارزش‌افزوده معاف کرد و این موضوع سبب شد زنجیره پرداخت مالیات ارزش‌افزوده قطع شود و عملاً ۱۰ درصد مالیات ارزش‌افزوده‌ای که باید از مصرف‌کننده نهایی اخذ می‌شد، توسط تولیدکنندگان زنجیره تا حلقه بافندگی پرداخت شد. این موضوع دو پیامد منفی داشت اول اینکه نرخ تمام‌شده کالای داخلی نسبت به مشابه خارجی ۱۰ درصد گران‌تر شد و دوم اینکه کالای خارجی به‌دلیل عدم‌الزام به فاکتور رسمی جذابیت بیشتری داشت.

مالیات‌ستانی عادلانه نیست

دبیر انجمن صنایع نساجی همچنین با اشاره به نقش مالیات

بردن نرخ مالیات بخش‌های مالیاتی بر گسترش پایه‌های مالیاتی رو بخش‌های مولد اقتصاد تمرکز کنیم. این سازکار در نهایت باعث افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و کاهش سودآوری بخش‌های مولد و انگیزه نظام سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصاد افزایش می‌یابد.



وی افزود: متأسفانه بسیاری از بخش‌های بزرگ اقتصادی ما مشمول معافیت مالیاتی هستند اما به راستی چه دلیل برای این معافیت وجود دارد؟ وقتی دولت کسری بودجه دارد درحالی‌که این بخش‌ها معاف از مالیات قرار دارند و در مقابل بخش‌های مولد زیر تیغ مالیات‌ستانی هستند. باید توازن مالیات‌ستانی بین بخش‌های گوناگون اقتصاد برقرار باشد.

کارشناس اقتصاد با بیان اینکه یک موضوع که می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم و با کاهش تقاضا بر صنعت تأثیرگذار باشد در پایان تأکید کرد: در سیستم کارمندی ۱۰ تا ۲۰ درصد یک‌بار از حقوق افراد کسری می‌شود و دوباره از همان درآمدی که یک‌بار مالیات از آن کسر شده یک‌بار دیگر ۴۰ درصد در قالب مالیات تومی کاهش می‌یابد تا اینجا دو بار مالیات و در نهایت فرد را خرید کالا هم ۱۰ درصد مالیات بر ارزش‌افزوده باید پرداخت کند. یعنی از یک درآمد مشخص نیروی کار در ۴،۳ بار مالیات دریافت می‌شود و عملاً قدرت خرید خانوار به‌شدت کاهش می‌یابد که در بلندمدت می‌تواند روی کاهش تقاضا تأثیرگذار باشد. این هم موضوعی مهم در ساختار مالیاتی ماست که نباید نادیده گرفته شود.

تولیدکنندگان به حمایت مالیاتی شدید نیاز دارند، اما پاسخ مناسب دریافت نمی‌کنند. نبود شفافیت در هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی، بی‌اعتمادی عمومی را تشدید و فرهنگ مالیاتی را تضعیف می‌کند. کارشناس بر این باورند که اصلاح نظام مالیاتی باید در اولویت قرار گیرد؛ با هوشمندسازی، افزایش شفافیت و عدالت در اخذ مالیات، فشار از دوش تولیدکننده برداشته شود و منابع مالیاتی به توسعه زیرساخت‌ها و حمایت از تولید اختصاص یابد. بدون این اصلاحات، تولید آسیب می‌بیند و اقتصاد کشور در معرض خطر قرار خواهد گرفت.